

اخلاق دین‌بنیاد از نگاه روان‌شناسی دین

محمد دهقانی*

چکیده: رابطه اخلاق و دین‌داری را می‌توان بر دو فرض استوار کرد: نخست این که اخلاق بنیاد دین است و دین‌داری فارغ از اخلاق بی‌معناست و دیگر این که دین بنیاد اخلاق است و اخلاقی زیستن بدون دین‌داری امکان ندارد. با این که در ادبیات رسمی ایران غالباً بر فرض اول تأکید شده است، در عالم واقع و در نگاه عام معنوی دین‌داری پایه و مایه اخلاق تلقی می‌شده و انتظار می‌رفته است که دین‌داران عموماً اخلاقی‌تر از دیگران باشند. با وجود اهمیت این فرض و تأثیری که بر روابط فردی و اجتماعی دارد در ایران تا کنون بررسی‌ای که متکی بر آمار و اطلاعات و آزمایش‌های دقیق باشد در این باره صورت نگرفته است. در این مقاله کوشش بر این است که با بهره‌گیری از بررسی‌های جوامع غربی میزان صحت و سقم این فرض سنجیده شود. آمارها و اطلاعاتی که در این مقاله عرضه می‌شوند مربوط به جوامع اروپایی و آمریکایی است.

واژگان کلیدی: دین، اخلاق، مسیحیت، روان‌شناسی دین

* دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.

ما، در کشوری زندگی می‌کنیم که مردم آن از کهن‌ترین روزگاران، یعنی از وقتی که تاریخ به یاد دارد، دین‌داری و اخلاق را ملازم یکدیگر می‌دیده‌اند و گویی تصور یکی بی آن دیگری برایشان دشوار و بلکه محال بوده است. از زرتشت بگیرد که شعارش «پندار و گفتار و کردار نیک» بود تا فردوسی مسلمان که می‌گفت:

بترس از خدا و میازار کس ره رستگاری همین است و بس

(داستان سیاوش، ص ۱۷۷)

در این بیت، فردوسی «ترس از خدا» را که به زعم او اساس دین‌داری است ملازم بی‌آزاری شمرده است که یکی از مهم‌ترین معیارهای زندگی اخلاق‌مدارانه است. این ملازم شمردن دین و اخلاق به دو دیدگاه کلی می‌انجامد: نخست دیدگاهی است که دین را بنیاد اخلاق محسوب می‌کند و دوم دیدگاهی است که، برعکس، منش اخلاقی را مبنای دین‌داری و زندگی مؤمنانه به شمار می‌آورد. به نظر می‌رسد که همین دیدگاه دوم بر بخش اعظم ادبیات فارسی، و بویژه اشعار و نوشته‌های عرفانی سیطره دارد؛ از باب نمونه این سخن سعدی معروف است که

طریقت (عبادت) بجز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دل‌لق نیست



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مولوی هم که می‌گوید:

هزار بار پیاده طواف کعبه کنی قبول حق نشود گر دلی بی‌آزاری

(غزلیات شمس، ۱۳۳۹/۲)

به همراه حافظ که گفته است:

مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست

(دیوان حافظ، ص ۵۳)

همه از خیل پیروان همین دیدگاه دوم‌اند. با این حال، از عالم آرمانی ادبیات که بگذریم، آنچه در عالم واقع بر اوضاع و احوال جامعه ایران حاکم بوده همان دیدگاه نخست است که دین را بنیاد اخلاق به شمار می‌آورد و نتیجه ضروری‌اش همین

است که هرچه درجه دین‌داری کسی بیشتر باشد لابد از حیث اخلاقی نیز وضع بهتری دارد و بیشتر قابل اعتماد و اتکاست. در سه دهه اخیر عقیده به اخلاق دین‌بنیاد اساس گزینش افراد و گماردن آنها به کارهای ریز و درشت و به عبارت بهتر، مبنای مدیریت نیروی انسانی در جامعه ایران بوده است.

چنین عقیده بنیادینی، که پیامدهای مهمی برای جامعه دارد، قاعدتاً در خور آن است که در بوته نقد و پژوهش درآید و مقدمات و لوازم و نتایج آن با روش‌های علمی و عینی سنجیده شود. در ایران تاکنون چنین کاری صورت نگرفته است، اما در سایر نقاط جهان، بویژه در اروپا و آمریکا، سال‌های سال است که پژوهش در این حوزه آغاز شده و همچنان ادامه دارد و نتایج جالب توجهی هم به بار آورده است. در اینجا می‌کوشم برخی از این پژوهش‌ها را که در مغرب‌زمین صورت گرفته و نتایج آنها را به اختصار شرح دهم، به این امید که فتح بابی باشد برای آغاز چنین پژوهش‌هایی در کشور خودمان. همه اطلاعات، آمارها، آزمایش‌ها و پژوهش‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره شده برگرفته از کتابی است به نام روان‌شناسی دین (براساس رویکرد تجربی) که نوشته چهار تن از بزرگ‌ترین استادان این رشته است. ترجمه این کتاب به قلم نگارنده آماده انتشار است و امید است به زودی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.^۱ فصل سیزدهم این کتاب که از صفحه ۴۱۶ تا ۴۴۴ را «در متن انگلیسی» شامل می‌شود، به بررسی رابطه «دین و اخلاق» اختصاص دارد. آنچه در زیر می‌خوانید گزارش مختصری است از این مبحث و اعداد درون پرانتز هم به صفحات مختلف همین فصل از کتاب اشاره دارند.

نگرش‌های اخلاقی دین‌داران

کسانی که بر حسب معیارهای مختلف مذهبی‌اند در نگرش‌های خود «محافظه‌کارتر» اند. آنان با مسائلی چون سقط جنین، آموزش دربارهٔ ایدز، طلاق، هرزه‌نگاری^۲، جلوگیری

۱. مشخصات کتاب از این قرار است:

B. Spilka, R.W. Hood, Jr., B. Hunsberger, R. Gorsuch, *The Psychology of Religion*, New York/ London: The Guilford Press, 2003.

2. pornography

از بارداری، روابط جنسی پیش از ازدواج، همجنس‌گرایی، فمینیسم، خودکشی و آسان‌کشی^۱ مخالف‌اند، در عوض موافق مجازات اعدام، قصاص، جداسازی مردان و زنان و سانسور سکس و خشونت در رسانه‌های گروهی‌اند (۴۱۸).

اما مخالفت با برخی کارها بر طبق آموزه‌های دینی به این معنا نیست که فرد معتقد در جایی که فرصت و امکان چنین کارهایی وجود دارد لزوماً از آنها پرهیز می‌کند. در پژوهشی که به سال ۱۹۹۹ دربارهٔ عده‌ای از جوانان مسیحی صورت گرفت معلوم شد که ۵۴ درصد آنان به رغم اعتقاد به حرام بودن روابط جنسی پیش از ازدواج در عمل به این گونه روابط مبادرت می‌ورزیدند. پس همواره نمی‌توان به درستی پیش‌بینی کرد که دین تا چه حد با «رفتار اخلاقی» در پیوند است. بررسی چند عرصه رفتاری که جنبه اخلاقی دارند کمک بیشتری به روشن شدن این موضوع می‌کند.

صداقت و فریبکاری

چون اکثر ادیان بر صداقت تأکید دارند، معتقدان به آنها هم قاعداً باید کمتر دروغ بگویند، تقلب کنند یا دیگران را بفریبند. لیکن شواهد و قرائن در مجموع نشان می‌دهند که در محیط‌های مورد بررسی دین هیچ تأثیری در این مورد ندارد.

نخستین بار سه محقق به نام‌های هارتسهورن^۲، می^۳ و شاتل‌ورت^۴ در دهه ۱۹۲۰ با بررسی‌های دراز دامن خود که در دانشگاه آریزونا^۵ آماري منتخب که شامل حدود ۱۱۰۰۰ دانش‌آموز می‌شد سرانجام به این نتیجه رسیدند که میان دین و صداقت یا فریبکاری اساساً هیچ ارتباطی وجود ندارد. در واقع کودکانی که همواره در مراسم مذهبی مدرسه حاضر می‌شدند تمایل کمتری داشتند که به دیگران کمک کنند. محقق دیگری به نام هایتاور^۵ هم در سال ۱۹۳۰ نشان داد که دانش‌مذهبی افراد به هیچ وجه مانع دروغ‌گویی و فریبکاری آنها نمی‌شود.

پژوهش‌های جدیدتر معلوم کرده‌اند که بی‌صداقتی علمی در محیط‌های دبیرستانی

۱. euthanasia (کشتن بدون درد و از روی ترحم، برای خلاص کردن فرد از درد و رنج جسمی).

2. Hartshorne

3. May

4. Shuttleworth

5. Hightower

و دانشگاهی سخت رواج دارد. بر اساس تحقیق گلدسن^۱ و همکارانش در سال ۱۹۶۰، ۹۲ درصد دانشجویان مذهبی کالج قبول داشتند که تقلب اخلاقاً غلط است، اما ۸۲ درصد آنان با این نظر موافق بودند که «اگر همه تقلب می‌کنند، چرا من نکنم؟» پژوهش‌های مختلف دیگر هم بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ نشان داده‌اند که تقلب در میان دانش‌آموزان و دانشجویان به شدت رایج است و به نظر نمی‌رسد که مذهبی یا غیرمذهبی بودن آنان در این مورد چندان تأثیری داشته باشد (۴۲۰).

البته پژوهش‌های دیگری هم هستند که نشان می‌دهند دین‌داران کمتر مرتکب تقلب می‌شوند. بر حسب گزارش گراسمیک^۲ و همکارانش در سال ۱۹۹۱ افراد مذهبی، به گفته خودشان، کمتر در پرداخت مالیات خود تقلب می‌کنند. اما در پذیرش یافته‌هایی از این دست باید احتیاط کرد، زیرا از طریق گزارش‌های خود اشخاص به دست آمده‌اند و چنان‌که قبلاً اشاره شد آنچه مردم مدعی عمل به آنند همواره با رفتار واقعی آنها سازگار نیست.

در مجموع، از بررسی‌های مربوط به رفتار عملی این نتیجه به دست نمی‌آید که آدم‌های مذهبی در قیاس با همتایان کمتر مذهبی یا غیرمذهبی خود صادق‌ترند یا کمتر احتمال دارد که دروغ بگویند. بنا بر تقلب کنند. با توجه به آموزه‌های روشن‌اثر ادیان درباره چنین مسائلی جای تعجب است که دین چرا در کاهش رفتار فریبکارانه تأثیر چندان نداشتند است (۲۲-۴۱۹).

تأثیر دین در کاهش مصرف الکل و مواد مخدر

پژوهش‌هایی که در یک قرن اخیر در این باره صورت گرفته‌اند نشان می‌دهند که میان دین‌ورزی و مصرف انواع مواد مخدر، اعم از الکل و سیگار و تریاک و غیره رابطه منفی برقرار است، یعنی هرچه میزان دین‌داری فرد بیشتر باشد احتمال ابتلای او به مصرف این مواد کمتر است. گرساچ^۳ و باتلر^۴ (۱۹۷۶) این نکته را در بررسی‌های خود راجع به پژوهش‌هایی که تا پیش از میانه دهه ۱۹۷۰ صورت

1. Goldson

2. Grasmick

3. Gorsuch

4. Butler

گرفته یادآور شده‌اند. از میانه دهه ۱۹۷۰ به بعد هم پژوهش‌ها پیوسته حاکی از آن بوده‌اند که (بر حسب تعاریف مختلف از دین‌داری) کسانی که مذهبی‌ترند کمتر از دیگران به مصرف و سوء مصرف الکل و داروهای مخدر تمایل دارند.

بررسی پرحجمی دربارهٔ بیش از ده هزار جوان در ایالت مینسوتای آمریکا (۱۹۸۳) نشان داد که بسیاری از شاخص‌های اعتقاد و رفتار مذهبی این جوانان با مصرف داروهای از قبیل ال‌اس‌دی و آمفتامین‌ها رابطهٔ منفی دارند. بررسی‌های متعدد دیگری هم که در سایر کشورها، از جمله کانادا، نیجریه، اسکاتلند، هلند، سوئد، اسرائیل، استرالیا، تایلند، اسپانیا، عربستان سعودی و چین صورت گرفته تقریباً همگی به این نتیجه انجامیده‌اند که در همهٔ گروه‌های سنی میان مصرف مواد مخدر و دین‌داری ارتباط منفی وجود دارد (۳-۴۲۲).

لیکن یافتن ارتباط بین متغیرهای مختلف یک چیز است و تبیین اینکه چرا چنین رابطه‌ای وجود دارد امر به کلی دیگری است. احتمالاً عوامل بسیاری در رابطهٔ معکوس میان دین و مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر دخیل‌اند، و نظریه‌های مختلفی برای تبیین این ارتباط مطرح شده است، از جمله اینکه به گفتهٔ بنسون (۱۹۹۲) «دین از طریق نظام هنجارها و ارزش‌هایی که حامی خویشتن‌داری شخصی است مانع مصرف مواد می‌شود» (۴۲۵).

یکی از اشکالات بسیاری از نظریه‌های مربوط به دین و مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر این است که نوعاً متکی بر گزارش‌هایی هستند که خود افراد عرضه می‌دارند. اشخاص مذهبی معمولاً تمایل دارند که به پرسش‌های پژوهش‌گران پاسخ‌هایی بدهند که از لحاظ اجتماعی مطلوب‌اند و به این ترتیب، به جای گزارش واقعیت، از خود چهره‌ای آرمانی تصویر می‌کنند. ظاهراً کمتر محققانی این نکته را در نظر گرفته است (۴۲۷).

رفتار جنسی

نهادهای مذهبی، بویژه در عالم مسیحیت، سالیان دراز کوشیده‌اند که رفتار جنسی را مهار کنند. این کوشش‌ها از نظر تاریخی رنج و بدبختی بسیار زیادی به بار آورده‌اند،

چنان‌که به گفته یکی از محققان، «اگر کسانی را در نظر بگیریم که به سبب گناهان و جرایم جنسی در اجتماعات مسیحی تحت تعقیب و مجازات قرار گرفته‌اند، شمار اخته کردن‌ها، شلاق‌زدن‌ها، حبس‌کردن‌ها، سوزاندن‌ها، گردن‌زدن‌ها و سایر اعدام‌هایی که مستقیماً به تعالیم مسیحیت مربوط می‌شود سر به میلیون‌ها می‌زند» (۴۲۸). علاوه بر مجازات‌های جسمانی، دین در قبال انواع فراوان «گناهان» جنسی شرم، احساس گناه، ترس و اضطراب ایجاد می‌کند.

از لحاظ سنتی، دین تمایل جنسی را اساساً وسیله‌ای برای ازدیاد نسل از طریق پیوند زناشویی دانسته است. در نتیجه، هر نوع ارتباط جنسی خارج از ازدواج با جنس مخالف عملاً نادرست و گناه‌آلود به شمار رفته است. از این رو، اکثر پژوهش‌ها حاکی از آنند که عقاید و دل‌مشغولی‌های مذهبی افراد با کاهش فعالیت جنسی آنان در خارج از چارچوب ازدواج رابطه دارد. روحانیان نیز هرچه بنیادگراتر باشند نسبت به قربانیان تجاوز جنسی نگرش منفی‌تری دارند. دین‌داری با آگاهی کمتر درباره مسائل جنسی نیز همبستگی دارد، چنان‌که جوانان مذهبی‌تر معمولاً آگاهی کمتری هم درباره مسائل جنسی دارند (۴۲۹-۴۳۱).

سوء استفاده‌های جنسی روحانیان مسیحی

با اینکه کاتولیک‌ها فقط یک چهارم جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند، پژوهش‌ها معلوم کرده‌اند که حدود ۵۴ درصد قربانیان و مرتکبان سوء استفاده جنسی در این کشور کاتولیک‌اند. سوء استفاده جنسی روحانیان، بویژه در کلیسای کاتولیک، مشکلی است که از قرن‌ها پیش وجود داشته است. اینان اصولاً در معرض وسوسه جنسی قرار دارند. کم نیستند زنان یا مردانی که «عاشق» مرشد روحانی خود می‌شوند، یا کسانی که خصوصی‌ترین مشکلات خود را با کشیشان، خام‌خام‌ها و... به عنوان اعتراف یا برای گرفتن کمک فکری و مشورت در میان می‌گذارند. چنین کنش‌ها و روابطی هم روحانیان و هم کسانی را که از آنها کمک می‌خواهند در برابر بهره‌کشی جنسی آسیب‌پذیر می‌کنند. با توجه به چنین شرایطی،

۱. روحانیان کاتولیک ازدواج نمی‌کنند و بنا بر سوگندی مجرد می‌مانند.

عجیب نیست که یک بررسی درباره ۱۵۰۰ کشیش کاتولیک طی دوره‌ای ۲۵ ساله نشان داد که حدود نیمی از آنها سوگند تجرد خود را نقض کرده‌اند. گرچه برخی برآوردها نشان می‌دهند که بالغ بر یک‌سوم کشیشان ایالات متحده به داشتن رابطه نامشروع جنسی اقرار کرده‌اند، اکثر پژوهش‌ها حاکی از آنند که در حدود ۲۵ درصد روحانیان با یکی از پیروان خود وارد نوعی ماجرای جنسی شده‌اند (۳-۴۳۲).
به رغم این تعداد زیاد، تلاش برای توضیح ویژگی‌های روانی روحانیانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند با موفقیت چندانی قرین نبوده است، شاید به این دلیل که چنین سوء استفاده‌هایی تنوع زیادی دارند. تعبیر «سوء استفاده جنسی روحانیان» شامل قلمرو وسیعی است که قربانیان زیادی را، اعم از کودک و نوجوان و بزرگسال و حتی روحانیان دیگر، در خود جای می‌دهد. سوء استفاده ممکن است از مزاحمت و تهدیدهای روانی یا متلک آغاز شود و به رفتار جسمی نامناسب و آمیزش جنسی بینجامد (۴-۴۳۳).

دین و اذیت و آزار خانگی

توجه روزافزونی به مسأله خشونت خانگی هم در حق همسران یا شرکای جنسی و هم در مورد کودکان مبذول شده است. برخی افراد ممکن است دین را «توجیه‌کننده» اذیت و آزار کودک یا همسر بدانند، زیرا دین ممکن است تنبیه بدنی کودکان یا خشونت با همسر را ترغیب کند. لیکن، بر اساس پژوهش‌های مختلف در ایالات متحده، کسانی که غالباً به کلیسا می‌روند به اندازه نصف کسانی که کمتر به کلیسا می‌روند دچار یا مرتکب خشونت و پرخاشگری فیزیکی در برابر شریک جنسی خود می‌شوند (۹-۴۳۸).

اذیت و آزار خانگی گاهی ناشی از ساختار قدرت‌مند پدرسالاری در خانواده است که برخی ادیان محافظه‌کار از آن دفاع می‌کنند. مثلاً برخی روحانیان به زنان توصیه می‌کنند که به زندگی با شوهران آزارگیشان ادامه دهند، چون تکلیف و مسئولیت مذهبی آنان همین است که با همسران خود بمانند و از آنها اطاعت کنند. شواهد دیگری حاکی از این‌اند که مسیحیان محافظه‌کارتر، بویژه مردان، ممکن

است از خشونت خانگی بیشتر استفاده کنند. تأثیر خشونت خانگی بر کودکان و زنان، بویژه وقتی از لحاظ مذهبی توجیه شود، عمیق و پایدار است. چنین خشونتی علاوه بر مشکلات زیادی که برای زنان به وجود می‌آورد، آنها را با خود و خدا بیگانه می‌کند و به احساس درماندگی و بی‌معنایی در زندگی ایشان می‌انجامد. لیکن نشانه‌هایی هم در دست است حاکی از اینکه دین به افراد کمک می‌کند تا احتمالاً از طریق مکانیسمی چون حمایت اجتماعی با اذیت و آزار خانگی مقابله کنند. گاه زنانی که هنگام کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند به دین پناه می‌برند. بر اساس پژوهشی که در سال ۲۰۰۰ انجام شد، زنان آزار دیده‌ای که وابسته به یکی از مذاهب محافظه‌کار مسیحیت بودند، یا بر اثر ایمان خود دچار احساس شرم و گناه می‌شدند یا این ایمان را به صورت وسیله‌ای برای امید و تغییر در می‌آوردند. بررسی‌هایی از این دست بر این نکته تأکید می‌کنند که دین می‌تواند به برخی بزرگسالان کمک کند تا با اذیت و آزاری که در کودکی دیده‌اند کنار آیند (۱-۴۴۰).

رابطه دین و جنایت

هر چند برخی بررسی‌ها نشان می‌دهند که دین و جنایت رابطه منفی دارند، این احتمال را هم باید در نظر بگیریم که دین ممکن است، دست کم در برخی مواقع، در رفتار مجرمانه هم دخیل باشد. برخی ادیان ممکن است بر اهمیت دفاع از حق خود تأکید کنند (چشم در برابر چشم)، یا گروه مذهبی خاصی ممکن است اصرار ورزد که اعضای این گروه بر سایر افراد بشر برتری دارند، هر یک از این عوامل بالقوه می‌توانند افراد را در برخی مواقع به رفتار پرخاشگرانه وادارند (۴۴۳).

نتیجه

دین (مسیحیت) در حقیقت با برخی از جنبه‌های نگرش و رفتار اخلاقی ارتباط دارد، اگرچه تقریباً همیشه بررسی‌هایی در این باره وجود دارند که یافته‌هایشان متضاد است. در حوزه‌های مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر، رفتار جنسی خارج

از ازدواج، و (در حد کمتری) جنایت و بزه‌کاری، مسیحیان مذهبی‌تر عموماً گزارش می‌دهند که نگرش‌های اخلاقی سخت‌گیرانه‌تری دارند و کمتر احتمال دارد که به رفتارهایی مبادرت ورزند که هنجارهای اجتماعی (و بویژه دینی) را نقض کند. لیکن، با کمال تعجب، دیده می‌شود ایمان با برخی از رفتارهای دیگر، نظیر فریبکاری یا بی‌صدافتی ارتباطی ندارد. نشانه‌هایی وجود دارد حاکی از اینکه افراد مذهبی می‌گویند صادق‌ترند، اما داده‌های مربوط به رفتار عملی در فضای عرفی این امر را تأیید نمی‌کنند.

اشخاص مذهبی ممکن است قدری تسلی خاطر بیابند وقتی می‌بینند بررسی‌ها نشان دهنده آنند که ایمان شخصی با مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر، رفتار جنسی خارج از ازدواج، و برخی اعمال مجرمانه رابطه منفی دارد. لیکن این رابطه‌ها هر جا یافته شوند، نسبتاً ضعیف‌اند و معمولاً باید با سایر یافته‌ها مقایسه و تعدیل شوند. با توجه به اصرار و ابرام آموزه‌های مسیحیت بر این مسائل اخلاقی، جای تعجب است که چرا همبستگی‌ها بیش از این نیستند، و چرا عوامل غیرمذهبی در این ماجرا گاهی همبستگی‌ها را کاهش می‌دهند یا از بین می‌برند. به علاوه، این اشکال در اینجا به چشم می‌خورد که دین با قطب مخالف فریبکاری، یعنی صداقت و درستکاری، پیوند استواری ندارد (۴۴۲-۴).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع

- حافظ، دیوان، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار، چ ۴، ۱۳۶۲.
- سعدی، کلیات، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، چ ۸، ۱۳۶۹.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- مولوی، جلال‌الدین، غزلیات شمس تبریز، مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی، چ ۲، تهران، سخن، چ ۳، ۱۳۸۷.

Spilka, B., R.W. Hood Jr., B. Hunsberger, R. Gorsuch, *The Psychology of Religion*, New York/ London: The Guilford Press, 2003.